

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۲ سپتمبر ۲۰۱۲

«انتخابات آزاد» اسم رمز «اصلاح» حکومت اسلامی!؟

این روزها، بازار سیاست پیوستن و گسستن اپوزیسیون راست و شونیست و ناسیونالیست داغ است. در این میان، بحث انتخابات آزاد، بحث اصلاح طلبان حکومتی و همه جریاناتی است که از انقلاب توده های مردم وحشت دارند و به همین دلیل، بحث انتخابات آزاد را پیش می کشند تا اهداف و آرزوهای خود را با تغییری جزئی در حاکمیت پیش ببرند. در واقع «انتخابات آزاد»، اسم رمز «اصلاح» حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی است.

بحث انتخابات آزاد را گرایشهای مختلفی چون اصلاح طلبان حکومتی، جمهوری خواهان ملی، جمهوری خواهان لائیک و سکولار، لیبرال ها، رفرمیست ها و غیره تبلیغ و ترویج می کنند و برای آن ستراتیژی تدوین می کنند نهایتاً به نفع حکومت اسلامی، به ویژه جناح اصلاح طلب آن است.

بحث هایی در میان این گرایشها، پیرامون سیاست اتحادها و ستراتیژی انتخابات آزادشان در جریان است که به نظرم نقد و بررسی آن ها، به ویژه برای کمونیست هایی که همواره در جهت سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی مبارزه می کنند ضروری است.

حتی اگر فرض کنیم انتخابات آزاد در چارچوب حکومت اسلامی جنبه عملی پیدا کند باز هم می دانیم که از این انتخابات، چیزی عاید کارگران و محرومان جامعه نخواهد شد.

مسلماً، پیش شرط هایی برای برگزاری یک انتخابات حتی نیم بند آزاد بروژوائی نه مانند سوئد و کانادا، بلکه کشوری چون ترکیه نیز وجود دارد. یعنی باید حداقل آزادی هایی چون آزادی مطبوعات، آزادی بیان و قلم، آزادی تجمعات، آزادی احزاب و سازمان های سیاسی، آزادی کاندید شدن و رأی دادن برای همه اقشار جامعه، آزادی شوراها و دیگر تشکل های دموکراتیک صنفی - سیاسی کارگران، زنان، دانش جویان و جوانان، نویسندگان، هنرمندان، آزادی همه زندانیان سیاسی، جدائی دین از دولت، لغو سانسور، شکنجه، اعدام و ...، در جامعه تأمین شود تا پیش شرط های یک انتخابات نسبتاً آزاد فراهم گردد.

آقای بابک امیر خسروی، یکی از فعالین سیاسی است که بحث های او و هم فکانش چون فرخ نگهدار در مورد انتخابات آزاد در سایت ها، از جمله سایت عصر نو قابل دسترس است. او، به صراحت می گوید: «متحد عینی و علنی ما، در درجه نخست نیروهای سبز و اصلاح طلبان درون کشور است.»

در این بحث، فرخ نگهدار نیز می گوید: «با سلام بر بابک و حبیب و کاظم و رضای عزیز، حالا خیلی روشن تر از سابق معلوم شده است که حداقل در مورد مسأله انتخابات آزاد مقدار زیادی از برداشت ها می تواند یکی شود... تا آن جا که من متوجه شده ام حبیب عزیز می گوید چیزی به نام «ستراتژی انتخابات آزاد» در فرهنگ سیاسی وجود ندارد. و آن چه من تحت این عنوان طرح می کنم در واقع همان طرح آشتی ملی است. رضای عزیز می گوید ستراتی انتخابات آزاد کاملاً قابل تعریف و مشخص است. معنای آن این است که همه نیروها با هر عقیده و سابقه و برنامه با هم برای برگزاری انتخابات آزاد فشار بیاورند و به اتکای یک ائتلاف گسترده از نیروهای حامی همان خواست ها و جلب حمایت متحدین جهانی خود، حکومت را وادارند که مطابق موازین شناخته شده بین المللی و تحت نظارت بین المللی انتخابات عمومی برگزار کند.»

در بحث های بابک امیرخسروی به عنوان یکی از چهره های شناخته شده حزب توده در سال های نخست انقلاب ۱۳۵۷، و فرخ نگهدار از سران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در همان سال ها، با تمام قدرت از حکومت اسلامی و بنیان گذار آن امام خمینی «ضدامپریالیست» دفاع می کردند و در این راستا، هر کسی که حتی انتقادی به آن ها داشت هم صدا با حکومت اسلامی، عامل امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب می نامیدند. امروز نیز نه از کلیت حکومت اسلامی، بلکه جناح اصلاح طلب و سبز اسلامی آن دفاع می کنند که خواست این جناح نیز بازگشت به دوران طلایی امام، یعنی دهه نخست انقلاب ۵۷، دهه رعب و وحشت و جنگ و سرکوب و کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی و بقای حکومت اسلامی است.

فرخ نگهدار، در بحث با بابک امیر خسروی و دیگر هم فکرائش در رابطه با «ستراتژی انتخابات آزاد» این چنین تأکید می کند: «با سلام بر بابک عزیز. ممنون از توضیحات. شاید مشکل در نام «ستراتژی انتخابات آزاد» نیست. اعتقاد من این بوده است که من و تو در نکات توافق نظر داریم:

- ۱- این انتخابات هائی که در جمهوری اسلامی ایران برگزار می شود به این معنا آزاد نیست که بخش عمده ای از نیروهای سیاسی - به شمول همه ماها که در این بحث شرکت داریم - از حق مشارکت در آن ها محروم هستیم.
 ۲. همه ما داریم تلاش می کنیم و خواهان این هستیم که موانع حقوقی و سیاسی موجود بر سر راه شرکت بخش های محروم از حق مشارکت در جامعه ما از میان برداشته شود و شرکت در انتخابات برای همگان آزاد باشد.
 ۳. همه ما داریم بحث و تبادل نظر می کنیم که برای این تلاش های خود یک طرح و نقشه مشخص تری تنظیم و با همدیگر همان طرح و نقشه را به طور هماهنگ با وجود همین جمهوری اسلامی پیگیری کنیم.
- من نام این طرح و نقشه را گذاشته ام «ستراتژی ما برای رسیدن به انتخابات آزاد» یا به طور خلاصه «ستراتژی انتخابات آزاد».

می بینیم که فرخ نگهدار، به صراحت تأکید می کند که «همه ما داریم بحث و تبادل نظر می کنیم که برای این تلاش های خود یک طرح و نقشه مشخص تری تنظیم و با همدیگر همان طرح و نقشه را به طور هماهنگ با وجود همین جمهوری اسلامی پیگیری کنیم.» به عبارت دیگر، برای فرخ نگهدار و هم فکرائش مهم نیست که حکومت اسلامی، سی و چهار سال است آدم می کشد؛ زن ستیز و آزادی ستیز است؛ حکومت سانسور و اختناق و شکنجه و تجاوز اعدام است. چرا که او، برای آزادی فعالیت سیاسی اش در ایران، هنوز به حکومت اسلامی امید بسته است!

از سوی دیگر، در بیانیه پایانی «دومین جلسه سالانه سفیران سبز امید» که در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۹۱، در سایت «جرس» انتشار یافته است، از جمله می خوانیم:

جرس: دومین نشست سفیران سبز امید پس از چهار روز سخنرانی و بحث و گفت و گو و پنل ها و کارگاه های آموزشی مختلف، در شهر گوتنبرگ سوئد به پایان رسید.»

در ادامه گزارش جرس آمده است: «تحلیل و بررسی انتخابات آتی ریاست جمهوری در جلسه سفیران سبز امید در یکی از سلسله جلسات بحث و گفت و گو آزاد در جمع جلسه سفیران سبز امید، شنبه شب رجبعلی مزروعی، سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شاخه خارج از کشور و نماینده مجلس ششم شورای اسلامی، فرخ نگهدار، فعال سیاسی و علی اکبر موسوی خوئینی، فعال سابق دانشجویی، نماینده مجلس ششم شورای اسلامی به بیان نظرات خود در مورد انتخابات آتی ریاست جمهوری پرداختند.

در ابتدای این جلسه فرخ نگهدار فعال سیاسی: ... باید سبزه ها این پیام را به حاکمیت بدهند که مردم ایران در روندهای سیاسی احساس اشتراک بکنند و در تصمیمات همه باید احساس کنند سهم هستند. باید عرصه ای برای مداخله مردم و تمامی شهروندان وجود داشته باشد. بالا بردن سطح مشارکت عمومی در تصمیم گیری ها است از این طریق است که می توان به پایداری و ثبات رسید. بهترین عرصه ظهور این مشارکت، بهترین راه تضمین امنیت ملی، برگزاری انتخابات با مشارکت همه گروه ها و تشکل های سیاسی کشور است.»

در ادامه این جلسه شبانه علی مزروعی نماینده پیشین مجلس به بیان نظرات خود در زمینه انتخابات ریاست جمهوری آتی پرداخت. وی در ابتداء گفت: ای کاش آهسته و پیوسته رفتن را در عرصه سیاست یاد می دادیم و می گرفتیم و همیشه با هزینه و فایده کار می کردیم... به گفته مزروعی بسیاری از تحولات در ایران برخاسته از انتخابات ها بوده است. جنبش دوم خرداد و جنبش سبز برآمده از کارزار انتخاباتی بوده است. حاکمیت ناچار می شود از فضای انتخابات استفاده کند و برای ترمیم پایگاه مشروعیت خودش احتمالاً فضا را باز کند.

در ادامه این جلسه مهندس علی اکبر موسوی خوئینی نماینده پیشین تهران در مجلس ششم نیز به بیان نظرات خود درباره انتخابات آتی ریاست جمهوری پرداخت. وی با اشاره به انتخابات مجلس نهم حفظ اجماع میان اکثریت قاطع حامیان جنبش سبز و حتی اصلاح طلبان را دستاورد مهمی دانست که بایستی در انتخابات ریاست جمهوری بعدی نیز آن را حفظ نمود. وی ضمن استقبال از طرح عبدالله نوری مبنی بر درخواست همه پرسی در پرونده هسته ئی گفت نباید حرف آخر را اول زد و نیازمند برداشتن گام های آهسته ولی مطمئن هستیم و سخن از شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات زودهنگام است.

اصلاح طلبان حکومتی و جناح سبز آن، هم چون جناح اصولگرا، هم چنان بقای حکومت اسلامی را می خواهند. در حقیقت انتقاد اصلاح طلبان و سبزه های اسلامی به جناح حاکم اصولگرا، در راستای رقابت های درون حکومتی شان است و در واقع اصلاح طلبان سهم خود را از حاکمیت می خواهند. به علاوه این که دست کم در دهه نخست حکومت اسلامی که دهه رعب و وحشت و ترور کشتار و جنگ و تجاوز و اعدام است همه گروه های مافیای حکومت از جمله اصلاح طلبان سهم بودند. بنابراین، روزی که مردم، حکومت اسلامی را از حاکمیت ساقط خواهند کرد بی شک پرونده جناح اصلاح طلب و همه باندهای اسلامی، حتی گرایش های غیراسلامی که در سرکوب و کشتار مردم سراسر ایران و کشتار در زندان ها، به ویژه قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ را نیز باز خواهند کرد و حسابرسی خواهند نمود.

بابک امیر خسروی و هم فکراش چون فرخ نگهدار و...، اگر در سال های نخست انقلاب ۵۷، در کنار حکومت اسلامی قرار گرفتند و به ارتجاعی ترین و منفورترین و آدم کش ترین چهره های آن دوره چون خمینی، خلخالی، خامنه ای و...، دفاع نمودند؛ خواهان مسلح کردن سپاه پاسداران به سلاح های سنگین بودند که به خصوص در

ترکمن صحرا و کردستان و خوزستان و سیستان و بلوچستان «ضدانقلاب؟» را با زن و بچه و پیر و جوان قتل عام کردند و شهرها و روستاها به آتش کشیدند؛ در خیابان به تجمعات زنان و میتینگ ها هجوم آوردند؛ رسانه ها و اماکن و دفاتر نهادها دموکراتیک و سازمان ها را تسخیر کردند؛ دانشگاه ها را به خاک و خون کشیدند؛ حزب و اکثریت در همه این جنایات و سرکوب خونین دستاوردهای انقلاب با سیاه جامگان، کفن پوشان، حزب الله، مجاهدین انقلاب اسلامی، نهضت آزادی و دیگر باندهای حکومت اسلامی هم دست و هم صدا بودند؛ حتی بسیاری از فعالان سیاسی چپ و اعضای سازمان های مخالف حکومت را به سازمان های اطلاعاتی حکومت اسلامی معرفی کردند و....

حزب توده و اکثریت و هم فکران آن ها، حتی هنگامی که توسط حکومت اسلامی به میان اپوزیسیون پرتاب شدند باز هم بند ناف سیاسی خود را از این حکومت نبریدند و همواره به بارگاه جناح اصلاح طلب حکومت اسلامی دخیل بستند. در هشت سال ریاست جمهوری خاتمی، از وی حمایت کردند در واقع حمایت از حکومت اسلامی بوده است. آن ها، امروز هم سیاست های نزدیکی خود با یک جناح حکومت اسلامی و خصومت و دشمنی شان با نیروهای انقلابی چپ و سوسیالیست که خواهان سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و دست کم خواهان برپائی یک جامعه نوین آزاد و برابر و عادلانه و مرفه هستند در قالب بحث هائی چون «انتخابات آزاد» که محمد خاتمی نیز خواهان آن است را پیش می کشند. به عبارت دیگر، حکومت اسلامی با تغییرات جزئی از بالا و کنترل شده توسط جناح اصلاح طلبان و سبزها باقی بماند و همانند سال های نخست انقلاب ۵۷، به حزب توده و اکثریت نیز اجازه فعالیت دهند جامعه ایران «خوشبخت و سبز» خواهد شد؟!

به این ترتیب، به کار بردن واژه هائی چون «آشتی ملی» و «انتخابات آزاد»، رسماً و علناً بالا بردن پرچم سفید در مقابل حکومت اسلامی و تسلیم شدن به آن است. البته همان طور که در بالا نیز تأکید کردم با تغییرات جزئی در بالای حاکمیت، به طیف توده ای - اکثریتی، جمهوری خواهان، لیبرال ها، رفرمیست ها و نیروهای به اصطلاح ملی - مذهبی در جامعه ایران، اجازه فعالیت سیاسی داده شود. گرایشاتی که اگر موقعیت سیاسی و اقتصادی آن ها در جامعه ایران تأمین شود همانند گذشته حاضرند در کنار حاکمیت در سرکوب نیروهای کارگری کمونیستی حضور فعالی هم داشته باشند.

اما خلاف آرزوهای جناح اصلاح طلبان و سبز اسلامی حکومت اسلامی با هم فکران شان چون طیف توده ای اکثریتی، ملی - مذهبی ها، جمهوری خواهان و رفرمیست ها و اپورتونیست ها، وضعیت حکومت اسلامی به لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماتیک، آن چنان بحرانی و وخیم است که حتی سران و مقامات آن نیز آینده حکومت شان را تیره و تار می بینند و بیش تر به روزمرگی مشغولند. در این میان، مهم ترین فاکتور برای تحولات ایران، فاکتور مردم است. امروز اکثریت مردم ایران و در پیشاپیش همه جوانان و کارگران و محرومان و ستم دیدگان جامعه از حکومت اسلامی متنفرند. تاریخ مصرف این حکومت، حتی برای بخش زیادی از سرمایه داری جهانی و منطقه ئی نیز به سر رسیده است و به همین دلیل، هر روز بیش تر از روز قبل در انزوای جهانی فرو می رود.

اما این احتمال وجود دارد که اگر حکومتی اسلامی در اثر مبارزات کارگران، محرومان و آزادی خواهان جامعه در موضع ضعفی قرار گیرد «انتخابات آزاد» را برای برون رفت از بحران سیاسی و به انحراف کشاندن مبارزات مردمی بپذیرد تا شاید چند صبحی دیگر به بقای خود تداوم بخشد. بنابراین، برای برخی از سران و جناح های حکومت اسلامی، پروژه انتخابات آزاد یک نوع چتر نجات محسوب می شود تا در حال سقوط آزاد، به دوش برسد.

به عبارت دیگر، انتخابات آزاد، در بهترین حالت یک طرح و پروژه رفرمیستی در مقابل انقلاب و سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی قرار دارد. از این رو، طبیعی ست که همه نیروهای سرنگونی طلب آزادی خواه، انقلابی، رادیکال و سوسیالیست نه تنها با چنین طرح هائی مخالفت کنند، بلکه بدیل طبقاتی خود را در مقابل جامعه قرار دهند.

پنج شنبه سی ام شهریور [سنبله] ۱۳۹۱ - بیستم سپتمبر ۲۰۱۲